



## نماینده ادوار مجلس درگذشت

محمدرضا خباز، نماینده اصلاح‌طلب مجلس چهارم، پنجم، ششم و هشتم شلم‌گانه ۲۰ بهمن‌ماه ۱۴۰۲ دار فانی را وداع گفت. خباز همچنین استاندار خراسان شمالی در دولت دوازدهم و استاندار سمنان در دولت یازدهم بود. همچنین سابقه‌معاونت‌امور تقنینی پارلمانی رئیس‌جمهور در دولت حسن روحانی را داشته است و عضو حزب اعتماد ملی نیز بود.



## دلال‌ها ۱۰ میلیارد برای تأیید صلاحیتم خواستند

هدایت‌الله خادمی، نماینده دوره دهم مجلس که به دلیل ردصلاحیت از شرکت در رقابت‌های انتخاباتی بازمانده است، در گفت‌وگو با ایلنا مدعی شد: «رقم‌هایی که دلال‌ها برای تأیید صلاحیتم تقاضا می‌کردند تقریباً مشابه بودند کسی ۱۰ میلیارد تومان، دیگری ۳۰۰ سکه و بعضی‌ها ۱۲۰ هزار دلار آمریکا.» دریافت پول از سوی دلال‌ها برای تأیید صلاحیت در انتخابات، ادعایی است که گاهی در محافل خصوصی و غیررسمی مطرح می‌شود. پیش از این محمود صادقی با اعلام عمومی این موضوع، خواستار روشن شدن ابعاد ماجرا شده بود. او در توییتی در حساب کاربری‌اش با خطاب قرار دادن احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان، از او پرسیده بود: «آیا آیت‌الله جنتی اطلاع دارند که فساد مالی در نهاد تحت مدیریت خودشان هم رخ نه کرده است؟» در واکنش به این ادعاها، عباسعلی کدخدایی، سخنگوی سابق شورای نگهبان، اعلام کرده بود، چون این نماینده مجلس برای ادعای خود مستندات ارائه نکرده، موضوع را از طریق قوه قضائیه پیگیری می‌کند؛ شکایتی که پس از فراز و نشیب‌های فراوان نهایتاً با صدور حکم برائت برای محمود صادقی به پایان رسید اما پیگیری‌های صادقی باعث شد تا تعدادی از «دلالتان صلاحیت» در جریان رد و بدل کردن پول در هتل هویزه تهران دستگیر شوند. غلامحسین اسماعیلی، رئیس دفتر فعلی رئیس‌جمهور که سال ۹۸ به‌عنوان سخنگوی قوه قضائیه فعالیت می‌کرد، در نشست خبری با رسانه‌ها از دستگیری ۲۰ نفر در این زمینه خبر داد، او همان زمان تأکید کرد که همه این‌ها فقط ادعای اعمال نفوذ داشتند و کار آن‌ها کلاهبرداری بود و هیچ‌کدام تأثیری در انتخابات نداشتند.



## اعلام موجودیت یک ائتلاف انتخاباتی

ائتلاف مردمی نیروهای انقلاب اسلامی (امناه) با هدف افزایش مشارکت و ارائه مشورت سیاسی به مردم در انتخابات ۱۱ اسفند اعلام موجودیت کرد. تشکل‌های این ائتلاف عبارتند از: «جبهه تلاشگران انقلاب اسلامی، جبهه شریان (شبکه راهبردی یاران انقلاب)، جمعیت رزمنده مدافع انقلاب (رزما)، حزب عدالت‌طلبان ایران اسلامی، حزب خدمتگزاران ایران اسلامی، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویی و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها، جامعه اسلامی کارگران، جامعه اسلامی کارمندان، جامعه دانش‌آموختگان دانشگاه آزاد اسلامی، حزب دفاع از اینترگران و قانون اساسی، جمعیت یاران انقلاب اسلامی، جمعیت معلمان و فرهیختگان ایران اسلامی، جمعیت تحول و پیشرفت اسلامی - ایرانی، جمعیت فرزندان انقلاب اسلامی، جمعیت هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی، انجمن اسلامی ورزشکاران، مجمع فرزندان شاهد ایران اسلامی، جمعیت تشکیلات انسجام اسلامی و جامعه جوانان متحد اسلامی.»

### ▼ اقلیت قوی

در کنار بحث رای اعتراضی یکی از موضوع‌هایی که پیرامون انتخابات مجلس دوازدهم سال ۱۴۰۰ طی چند ماه اخیر به گوش رسیده است، موضوع تشکیل «اقلیت قوی» از سوی اصلاح‌طلبان در مجلس دوازدهم است؛ طرحی که مهرماه سال جاری محمدرضا باهنر، فعال سیاسی اصول‌گرا از آن سخن گفته بود. او در مصاحبه با خبرآنلاین گفته بود: «حتماً اگر یک اقلیت اصلاح‌طلب قدرتمند در مجلس داشته باشیم آن‌را می‌پسندیم و قبول داریم و دوست داریم که این اتفاق بیفتد. شهادت می‌دهم در آن مجالسی که یک اقلیت قدرتمند در برابرمان بود، بهتر می‌توانستیم مدیریت کنیم، چون با رقیب بهتر می‌توان کار و رشد کرد.» البته همین موضوع، چندی پیش توسط یک عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران مورد تأکید قرار گرفت. علی‌محمد نمازی در مصاحبه‌ای که ۱۲ دی‌ماه سال جاری با فارس داشت، گفته بود: «علی‌رغم فضای سرد انتخاباتی تا این لحظه، اما اگر چند حزب اصلاح‌طلب و اعتدالی به‌طور جدی وارد انتخابات شوند و البته در دوره تبلیغات انتخاباتی بتوانند خوب عمل کنند، می‌شود انتظار داشت که حداقل اقلیتی پر قدرت مانند آنچه در مجلس پنجم شاهد بودیم در مجلس دوازدهم تشکیل شود.»

### محمدباقر نوبخت، دبیرکل حزب

اعتدال و توسعه هم در نشست خبری روز ۱۰ بهمن خود تلویحاً به این موضوع اشاره کرده بود: «البته اگر دوستان ما بتوانند در مجلس حضور فعالی داشته باشند، خوب می‌توانند بقیه را جمع کنند و این برای ما خیلی مهم است. من می‌دانم که چند نفر در مجلس می‌توانند مسیر مجلس را بعضاً تغییر دهند.» شاید در همین راستا هم باشد که او ترجیح داد حوزه کاندیداتوری خود را در انتخابات مجلس تغییر داده و به شهر رشت برود تا شاید از طریق آن شهر بتواند یک‌بار دیگر نماینده مجلس شود.

حمیدرضا جلالی‌پور، در بخش دیگری از مصاحبه‌اش با خبرنگار هم‌میهن، درباره تأثیر حضور اقلیت قوی در مجلس اینگونه پاسخ می‌دهد: «اقلیت‌های مؤثر و باکیفیت هم در تاریخ مجلس ایران (هم در مجالس شورایی ملی و هم در مجالس شورای اسلامی) و هم در سایر کشورها، تجربه‌های راهگشا، مؤثر و آموزنده‌ای داشته‌اند. در مجلس بعدی هم به نظر با توجه به این که جبهه پایداری و اصولگرایان عملگرا تر و مستقل‌ها اکثریت مجلس را خواهند داشت و چندپاره‌اند، یک اقلیت باکیفیت می‌تواند نقش مهمی در کاهش مصوبات پراسیب مجلس ایفا کند و در انتظارات‌های مسئله‌محور نقش ایجابی ارزشمند هم در سال‌های پرخطر پیش رو ایفا کند و مشابه اقلیت مجلس پنجم برای گشایش‌ها و دستاوردهای بعدی در دوره‌های بعد راهگشا شود. ائتلاف میانه‌روها و مصلحان باید در مؤثرسازی یک اقلیت باکیفیت تمرین بیشتری کند و ظرفیت بیشتری در خود بسازد.»

### ▼ ممکن یا دور از دسترس؟

همانطور که مورد اشاره قرار گرفت، رای اعتراضی و یا حتی تشکیل اقلیت قوی، پیش‌شرط‌هایی دارد که با وجود آنها می‌توان به انجام پروژه و واکنش رای اعتراضی امیدوار بود اما با فضایی که در جامعه مشاهده می‌شود، پیش‌شرط اصلی رای اعتراضی که «تمایل جامعه به حضور در پای صندوق رای» است، در بخش گسترده‌ای از مردم وجود ندارد و تا زمانی که این میل و اشتیاق دیده نشود، رای اعتراضی عملاً بی‌معنا خواهد بود مگر اینکه در فرصت کوتاه باقی‌مانده تا انتخابات مجلس اتفاق محیرالعقولی رخ دهد که البته این مورد هم بعید به نظر می‌رسد. ضمن اینکه نباید فراموش کرد، این فضا و سرد بودن انتخابات پیش از این در بین بسیاری از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب هم دیده شد، کم‌اینکه چهره‌های زیاد و پرشماری از اصلاح‌طلبان که می‌توانند در مجلس تأثیرگذار باشند، حتی در انتخابات ثبت‌نام هم نکردند.

دیگری از رای اعتراضی رقم زده شد. در جریان انتخابات مجلس دهم و خبرنگار پنجم، بسیاری از چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب با مُهر ردصلاحیت از سوی شورای نگهبان مواجه شدند اما از آنجایی که میل به تغییری که در سال ۱۳۹۲ ایجاد شده بود، همچنان در مردم وجود داشت، بازهم با محوریت سیدمحمد خاتمی و هاشمی‌رفسنجانی، رای اعتراضی مردم به گزینه‌های کمترشناخته‌شده در غالب لیست امید داده شد و در نهایت منجر به این شد که اکثریت مجلس دهم، حاصل همان رای اعتراضی باشد. پس از انتخابات سال ۱۳۹۴، پدیده رای اعتراضی دیگر به شکل سابق مشاهده نشد. البته در سال ۱۴۰۰ و در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری، تلاش‌هایی برای تکرار این پدیده انجام شد اما این تلاش‌ها منجر به نتیجه نشد. هر چند در این دوره از انتخابات، شرایط برای تکرار سال ۱۳۹۲ فراهم نشده بود، اما به‌رغم این موضوع، برای اولین بار در تاریخ، رقیب اصلی برنده انتخابات آراء باطله شد. به عبارتی رئیسی در سال ۱۴۰۰ با آراء باطله رقابت کرده بود.

### ▼ رای اعتراضی در ۱۴۰۲

درباره انتخابات یازدهم اسفند ۱۴۰۲ و در فضایی که حسن روحانی برای حضور در انتخابات مجلس خبرگان ردصلاحیت شده اما از رای اعتراضی سخن گفته شده است، باز هم این تئوری وجود دارد که آیا رای اعتراضی می‌تواند یک‌بار دیگر مفید واقع شود؟ البته در این راستا فعالیت‌هایی هم از سوی برخی مدافعان تکرار پروژه رای تکراری آغاز شده است، چنانچه کلیدواژه‌هایی در این مسیر برای معرفی برخی نامزدها ایجاد شده که محوریت آنها معرفی کاندیدا به‌عنوان «میانه‌رو» و یا «توسعه‌گرا» است.

### ▼ حمیدرضا جلالی‌پور: رای اعتراضی در برخی از حوزه‌ها می‌تواند ثمربخش باشد

در همین ارتباط، حمیدرضا جلالی‌پور، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و استاد جامعه‌شناسی دانشگاه، به‌عنوان یکی از مدافعان رای اعتراضی در گفت‌وگویی که با خبرنگار هم‌میهن داشت، در واکنش به طرح این سوال که «آیا پیشنهاد رای اعتراضی دادن، در فضای فعلی کشور و برای انتخابات‌های پیش رو عملیاتی است؟ چرا و چگونه؟» اصولاً کدام مدل رای اعتراضی می‌تواند راهگشا باشد؟ گفت: «پاسخ این پرسش بستگی به وضعیت خاص هر حوزه انتخابیه و منظور از رای اعتراضی دارد. شخصاً فکر می‌کنم برای بیش از ۱۰۰ کرسی که نامزد سالم و توانای توسعه‌گرا و میانه‌رو و اصلاح‌گرا در رقابت مانده است، هر میزان رای روزنه‌گشا یا اهداف و انتظار حداقلی بالاتر رود بهتر است، ولو نتایج حداقلی شود. رای روزنه‌گشا با اهداف حداقلی لزوماً رای اعتراضی نیست، ولی رای اعتراضی هم در برخی از حوزه‌ها می‌تواند ثمربخش باشد و در برخی دیگر نه. رای اعتراضی مثبت و ایجابی (ولو به لیست ناقص) هم قاعدتاً برای رای اعتراضی منفی تاکتیکی و رای باطله و سفید مقدم است.»

او در ادامه این گفت‌وگو، به این پرسش که «اگر بنا بر این باشد که رای اعتراضی به گزینه‌های معتدل داد تا تندروها کمتر وارد مجلس شوند، در کلان‌شهری مانند تهران با توجه به اینکه تعداد کرسی‌ها زیاد است، باید چگونه برخورد کرد؟ به تعدادی محدود رای داد یا نام هر سسی نفر را نوشت؟» اینگونه پاسخ داد: «به‌طور کلی به نظر می‌رسد صرف‌نظر از نتیجه، حمایت از فهرست ناقص باکیفیت و قابل دفاع، به لیست کامل کم‌کیفیت ترجیح دارد. کیفیت اقلیت مجلس آتی مهم‌تر از کمیت آن است. به احتمال زیاد درصد مشارکت در تهران بسیار کمتر از درصد مشارکت ملی خواهد بود. تصمیم درباره لیست دادن یا ندادن به نظر بیشتر باید وابسته به این باشد که نامزدهای باکیفیت قابل دفاع و توسعه‌گرا و اصلاح‌گر در تهران در رقابت مانده‌اند یا نه. به نظر من چنین حمایتی مبانی اصولی اصلاح‌گرانه و تدریجی‌گرا در سیاست‌ورزی دارد و لزومی ندارد همیشه به پیروزی در انتخابات بیانجامد.»



### حسن روحانی:

به نوع می‌توان دو شرایط حاکم اعتراض کرد. یک راه این است که در انتخابات شرکت نکنیم اما این راه نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت. راه پای صندوق رأی بهتر این است که معترض‌انست، رأی اعتراضی بهتر از رای ندادن است. مشکلات ما در نهایت باید با صندوق رأی حل شود، راه دیگری نداریم

### ▼ رای اعتراضی در دهه‌های اخیر ایران

در تاریخ سیاسی معاصر ایران و به‌عبارت دیگر در تاریخ جمهوری اسلامی، مواقعی وجود داشته که جامعه با وجود پیش‌شرط‌هایی که به آن اشاره شد، به سمت‌وسوی رای اعتراضی رفته و در برخی از این مواقع موفق شده است که مانع از رسیدن یک گزینه که مخالف نظر آنهاست و رقیبی هم‌سو با نظر این بخش جامعه در گود رقابت نیست، به ارکان قدرت شوند. برای مثال در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۷۶، اعضای نهمت آزادی پس از اینکه ابراهیم یزدی، دبیرکل این جریان سیاسی توسط شورای نگهبان ردصلاحیت شد، در دوم خرداد پای صندوق رای حاضر شدند اما برگه سفید به صندوق انداختند. مورد دیگر در سال ۱۳۸۴ پدید آمد؛ جایی که تعدد نامزدهای اصلاح‌طلب عاملی شد تا رای آنها پخش شده و محمود احمدی‌نژاد و اکبر هاشمی‌رفسنجانی (که هیچ‌کدام نامزد اصلاح‌طلبان محسوب نمی‌شدند) به دور دوم انتخابات بروند، اما با رسیدن انتخابات به دور دوم، اصلاح‌طلبان برای اینکه احمدی‌نژاد به قدرت نرسد، روی هاشمی‌رفسنجانی اجماع کردند که البته این اجماع در به قدرت رسیدن احمدی‌نژاد تأثیری نداشت.

اما شاخص‌ترین مورد قابل اشاره درباره سابقه رای اعتراضی در تاریخ سیاسی ایران، به انتخابات یازدهمین دوره ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۹۲ برمی‌گردد؛ جایی که اصلاح‌طلبان ابتدا به سراغ سیدمحمد خاتمی رفتند اما او راضی به ثبت‌نام نشد، سپس از اکبر هاشمی‌رفسنجانی دعوت کردند. هاشمی در انتخابات کاندیدا شد اما شورای نگهبان او را ردصلاحیت کرد و پس از این ردصلاحیت، از آنجایی که مردم پس از وقایع سال ۱۳۸۸ به‌دنبال تغییر وضع موجود بودند، با محوریت خاتمی و هاشمی، رای اعتراضی مردم به حسن روحانی داده شد و او توانست در رقابت با محمدباقر قالیباف، به ریاست‌جمهوری برسد. دو سال پس از حضور حسن روحانی در پاستور، مر حله

در این مورد، رای دهنده‌گانی که قصد دارند رای اعتراضی دهند، با شرکت در انتخابات نام‌گزینه‌ای را روی برگه رای می‌نویسند که رقیب گزینه مطلوب و یا همراه سیستم حاکم است. در این مسیر رای دهنده‌گانی که رای اعتراضی می‌دهند، در درجه اول سعی می‌کنند گزینه مطلوب سیستم حاکم برنده انتخابات نشود و در درجه دوم اگر در این مسیر ناکام بودند، حداقل تلاش خواهند کرد که اعتبار این گزینه با پایین آمدن درصد آرا کم شود و آن فرد با سطح کمی از رای به نهاد مربوطه برسد. ۲- رای سفید و یا رای مخدوش: در این مورد، رای دهنده‌گان اعتراضی مشی اول را قبول ندارند و یا گزینه‌ای مقابل گزینه مطلوب سیستم حاکم پیدا نمی‌کنند، اما در انتخابات شرکت کرده، رای سفید داده و یا رای مخدوش می‌دهند. البته به صندوق انداختن رای سفید یک پیش‌شرط بزرگ دارد، اینکه به سیستم نظارت بر انتخابات و شمارش رای اعتماد وجود داشته باشد که در زمان شمارش آرا، نام دیگری روی برگه رای نوشته نشود.

### ▼ پیش‌شرط اصلی رای اعتراضی

علاوه بر تلاش و اقدام برای حذف غیردموکراتیک یک جریان و گروه سیاسی، به باور برخی فعالان و تحلیلگران سیاسی «رای اعتراضی» پیش‌شرط دیگری هم دارد که تا زمانی که این پیش‌شرط فراهم نشود، نمی‌توان به سراغ رای اعتراضی رفت و اصولاً بدون وجود این پیش‌شرط، پروژه رای اعتراضی شکست خواهد خورد. این پیش‌شرط موضوع «تمایل جامعه به انتخابات» است. در واقع ابتدا باید این علاقه در جامعه وجود داشته باشد که در انتخابات شرکت کند، پس از آن به سراغ این گزینه رفت و یکی از اشکال «رای اعتراضی» را به نمایش گذاشت. به عبارت دیگر، تا زمانی که جامعه تمایلی به حضور در انتخابات نداشته باشد، حتی قوه محرکه‌ای مانند بیان و درخواست چهره‌های کاریزماتیک نیز نمی‌تواند تأثیری در حضور آنها پای صندوق‌های رای و استفاده از مدل «رای اعتراضی» داشته باشد. (برداشتی از نظریه رای اعتراضی David Peter Myatt).

### ▼ رای اعتراضی در دهه‌های اخیر ایران

در تاریخ سیاسی معاصر ایران و به‌عبارت دیگر در تاریخ جمهوری اسلامی، مواقعی وجود داشته که جامعه با وجود پیش‌شرط‌هایی که به آن اشاره شد، به سمت‌وسوی رای اعتراضی رفته و در برخی از این مواقع موفق شده است که مانع از رسیدن یک گزینه که مخالف نظر آنهاست و رقیبی هم‌سو با نظر این بخش جامعه در گود رقابت نیست، به ارکان قدرت شوند. برای مثال در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۷۶، اعضای نهمت آزادی پس از اینکه ابراهیم یزدی، دبیرکل این جریان سیاسی توسط شورای نگهبان ردصلاحیت شد، در دوم خرداد پای صندوق رای حاضر شدند اما برگه سفید به صندوق انداختند. مورد دیگر در سال ۱۳۸۴ پدید آمد؛ جایی که تعدد نامزدهای اصلاح‌طلب عاملی شد تا رای آنها پخش شده و محمود احمدی‌نژاد و اکبر هاشمی‌رفسنجانی (که هیچ‌کدام نامزد اصلاح‌طلبان محسوب نمی‌شدند) به دور دوم انتخابات بروند، اما با رسیدن انتخابات به دور دوم، اصلاح‌طلبان برای اینکه احمدی‌نژاد به قدرت نرسد، روی هاشمی‌رفسنجانی اجماع کردند که البته این اجماع در به قدرت رسیدن احمدی‌نژاد تأثیری نداشت.

اما شاخص‌ترین مورد قابل اشاره درباره سابقه رای اعتراضی در تاریخ سیاسی ایران، به انتخابات یازدهمین دوره ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۹۲ برمی‌گردد؛ جایی که اصلاح‌طلبان ابتدا به سراغ سیدمحمد خاتمی رفتند اما او راضی به ثبت‌نام نشد، سپس از اکبر هاشمی‌رفسنجانی دعوت کردند. هاشمی در انتخابات کاندیدا شد اما شورای نگهبان او را ردصلاحیت کرد و پس از این ردصلاحیت، از آنجایی که مردم پس از وقایع سال ۱۳۸۸ به‌دنبال تغییر وضع موجود بودند، با محوریت خاتمی و هاشمی، رای اعتراضی مردم به حسن روحانی داده شد و او توانست در رقابت با محمدباقر قالیباف، به ریاست‌جمهوری برسد. دو سال پس از حضور حسن روحانی در پاستور، مر حله

رایک مناسب و امر مقدس می‌دانند، افرادی هم وجود دارند که رای اعتراضی را به‌عنوان عمل مقدس استفاده می‌کنند که برخی از این افراد محافظه‌کاران اقتدارگرا هستند که حضور پای صندوق رای را تکلیف شرعی می‌دانند و برخی هم نیروهایی هستند که بهبودخواه هستند و رویکردهای اقتدارگرایانه ندارند و حتی برخی از آنها قبلاً رویکردهای اصلاح‌طلبانه هم داشته‌اند اما الان با افرادی که رویکرد اقتدارگرایانه دارند، دارای یک نقطه اشتراک هستند که انتخابات و صندوق رای برای آنها توتّم است. اما اعتقاد من بر این است که نه انتخابات و نه رای اعتراضی یک توتّم نیست، بلکه ابزاری برای دستیابی به مطالبات و خواسته‌هاست که وقتی به صورت مکرر از آن استفاده می‌شود اما تغییر ملموس در ابعاد مختلف زندگی شهروندان ایجاد نشود، ابزار نامناسبی تلقی شده و از آن عبور می‌شود. البته ممکن است زمانی به این ابزار بازگشته شود، اما با تجربه انتخابات مجلس ۱۳۹۸ و ریاست‌جمهوری و شورای شهر ۱۴۰۰ نشان داده شده که اکثریت مردم و بنده اجتماعی اصلاح‌طلبان حداقل فعلاً اعتقادی به این سبک کنش سیاسی ندارند زیرا دستاورد ملموسی از آن به‌دست‌نیآورده‌اند.

هم داشتند اما به‌رغم این موضوع، رای اعتراضی به این افراد داده شد اما رای اعتراضی تا یک جا و یک نقطه جواب خواهد داد که رای دهنده‌گان احساس کنند و این توجه را در خود ببینند که با رای اعتراضی که می‌دهند، زمینه‌های واقف شدن جریان اصلی قدرت را ایجاد خواهند کرد و تلنگری می‌زنند که بدین‌وسیله بتوانند تأثیری در تغییر سیاست‌های آنها داشته باشند و یا بخشی از مطالبات‌شان را پیگیری کنند. وقتی این اتفاق نمی‌افتد و شما به صورت ممتد و چندین بار و در ایام مختلف در طول ۵۳هـ از حق رای خود استفاده کرده‌اید و در مواقعی رای اعتراضی داده‌اید و فریاد زده‌اید که ما می‌رویم به این افراد رای می‌دهیم تا تندروتر از این‌ها به دولت و مجلس نرسند، اما در نهایت چیزی که به‌دست می‌آورد، این است که تغییر ملموس و محسوس در میان مدت و بلندمدت ایجاد نمی‌شود؛ در این موقع به این نتیجه می‌رسید که استفاده از این ابزار به نتیجه نمی‌رسد و آنها با این روش به مطالبات خود نمی‌رسند.

بنابراین توجه به این نکته ضروری است که رای اعتراضی یک ابزار و وسیله است و یک توتّم و امر مقدس نیست، همانطور که افرادی حضور در انتخابات